

## پیش‌بینی سبک تدریس معلمان ابتدایی شهرستان پیشوا بر اساس سه‌گانه تاریک شخصیت،

### جهت‌گیری ارزشی و انگیزه شغلی آن‌ها

عاطفه ارزبین<sup>۱</sup>، فریبا حسینی<sup>۲</sup>، اسماعیل سعدی پور<sup>۳\*</sup>

۱. کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، تهران، ایران.

۲. دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

۳. استاد تمام، گروه روانشناسی، دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

فصلنامه راهبردهای نو در روان‌شناسی و علوم تربیتی، دوره هشتم، شماره بیست و نهم، بهار ۱۴۰۵، صفحات ۱۱۸-۱۱۰

#### چکیده

سبک تدریس معلمان نقش مهمی در بهبود کیفیت آموزش ایفا می‌کند. این پژوهش با هدف پیش‌بینی سبک تدریس معلمان ابتدایی شهرستان پیشوا بر اساس سه‌گانه تاریک شخصیت، جهت‌گیری ارزشی و انگیزه شغلی آنان انجام شد. این پژوهش از نوع کاربردی و توصیفی-همبستگی است. جامعه آماری شامل ۱۱۸ معلم (زن و مرد) مدارس ابتدایی شهرستان پیشوا بود که به شیوه تصادفی و خوشه‌ای تک‌مرحله‌ای انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از چهار پرسشنامه جمع‌آوری شد: سبک تدریس معلمان، صفات تاریک شخصیت، ارزش‌های فردی و انگیزه شغلی. داده‌ها با استفاده از SPSS-22 و روش‌های ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه تحلیل شد. نتایج نشان داد که صفات تاریک شخصیت، جهت‌گیری ارزشی و انگیزه شغلی قادر به پیش‌بینی سبک تدریس معلمان هستند. همچنین، ارتباط معناداری بین این متغیرها و سبک‌های تدریس معلمان مشاهده شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که صفات تاریک شخصیت، انگیزه شغلی و جهت‌گیری ارزشی تأثیر قابل‌توجهی بر سبک تدریس معلمان دارند. این متغیرها می‌توانند به‌عنوان معیارهایی در انتخاب معلمان مؤثر و مناسب برای مدارس مورد استفاده قرار گیرند. لذا توجه به این عوامل می‌تواند به بهبود فرآیندهای آموزشی کمک کند. علاوه بر این، شناخت تأثیر این ویژگی‌ها می‌تواند در طراحی دوره‌های آموزشی برای معلمان و نیز در توسعه استراتژی‌های استخدام و ارزیابی معلمان مؤثر باشد. در نهایت، این پژوهش بر لزوم توجه به ابعاد روان‌شناختی معلمان در تصمیم‌گیری‌های آموزشی و استخدامی تأکید دارد.

**واژگان کلیدی:** سبک‌های تدریس، سه‌گانه تاریک شخصیت، جهت‌گیری ارزشی، انگیزه شغلی، معلمان ابتدایی.

## مقدمه

امروزه معلم به‌عنوان اساسی‌ترین رکن در نظام آموزش و پرورش شناخته می‌شود و نقش مهمی در فضای کلاس و مسیر تحصیلی دانش‌آموزان ایفا می‌کند (عدلی، ۱۳۹۴). معلمان تنها مسئول انتقال محتوای درسی نیستند بلکه ایجاد فضایی روان‌شناختی مناسب برای یادگیری نیز از وظایف کلیدی آنان به شمار می‌رود (آتما و همکاران، ۲۰۲۱). کیفیت آموزش و تربیت دانش‌آموزان تا حد زیادی به نحوه مدیریت منابع آموزشی و بهره‌گیری از روش‌های یادگیری توسط معلمان وابسته است (لینگی، ۲۰۲۲). همچنین، معلمان در تربیت نیروی انسانی موردنیاز توسعه جامعه نقش بسزایی دارند و باید بتوانند بر اساس نیازهای جامعه در حال تغییر، مهارت‌های لازم را به دانش‌آموزان انتقال دهند (مردهانی و همکاران، ۲۰۲۳). عملکرد معلم به‌طور مستقیم بر کیفیت نیروی انسانی تولیدشده توسط نظام آموزشی تأثیرگذار است (لینگی، ۲۰۲۲). در ادبیات پژوهشی، کیفیت و سبک تدریس معلمان به‌عنوان عوامل تعیین‌کننده موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان مطرح شده‌اند (تومن و همکاران، ۲۰۲۱). مدارس موفق و ممتاز معمولاً معلمانی را برمی‌گزینند که از نظر نحوه تدریس کارآمدتر عمل می‌کنند (فات و همکاران، ۲۰۲۱).

سبک تدریس به‌عنوان یک عامل محیطی و اجتماعی مهم شناخته می‌شود که ارتباط تنگاتنگی با احساس تعلق دانش‌آموزان به کلاس دارد (آتما و همکاران، ۲۰۲۱). این سبک‌ها شامل اصول، راهبردها و رفتارهایی است که معلمان برای ارتقای یادگیری دانش‌آموزان به کار می‌گیرند و نحوه انتقال محتوا، تعامل با دانش‌آموزان و مدیریت تکالیف آموزشی را مشخص می‌کنند (دش و همکاران، ۲۰۲۰). تعریف‌های مختلفی از سبک تدریس ارائه شده است؛ برای مثال، سوکور و همکاران (۲۰۱۴) آن را رفتار، اعمال و نگرش معلم هنگام آموزش و انتقال اطلاعات می‌دانند، و اشنايدر (۲۰۰۹) سبک تدریس را شامل راهبردها و روش‌های آموزشی همراه با فصاحت کلامی تعریف کرده است. همچنین، پیکاک (۲۰۰۱) این سبک را به عادات معلمان در آموزش و انتقال مهارت‌ها نسبت داده است. گراشا (۱۹۹۴) بر تعامل مستمر معلم و دانش‌آموز در طول فرایند آموزش تأکید دارد.

از سوی دیگر، صفات تاریک شخصیت به‌عنوان متغیری که نقش آن در فرایند تعلیم و تربیت کمتر موردبررسی قرار گرفته است، اهمیت ویژه‌ای دارد. صفات تاریک شخصیت شامل سه ویژگی ماکیاولیسم، خودشیفتگی و ضداجتماعی است که ویژگی‌های نامطلوب رفتاری و شخصیتی را نشان می‌دهند (پائولوس و ویلیامز، ۲۰۰۲). افراد ماکیاولیست برای رسیدن به اهداف شخصی خود دیگران را فریب می‌دهند و فاقد همدلی هستند، خودشیفته‌ها نیازمند تحسین و توجه مداوم بوده و از برتری‌جویی در تعاملات استفاده می‌کنند، و افراد ضداجتماعی دارای ویژگی‌هایی مانند تکانشگری، خودمحوری و غیرصمیمی بودن هستند که موجب ایجاد تنش در روابط بین فردی می‌شود (نین و همکاران، ۲۰۲۱). این صفات می‌توانند به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در نحوه تدریس و تعامل معلمان با دانش‌آموزان تأثیرگذار باشند.

ماکیاولیسم به‌عنوان یک راهبرد اجتماعی فریبکارانه برای منافع شخصی شناخته شده است و بر سوءظن نسبت به دیگران، رفتارهای غیراخلاقی و کنترل بین فردی تأکید دارد (دالینگ و همکاران، ۲۰۰۹؛ کسلر و همکاران، ۲۰۱۰؛ پالهاوس، ۲۰۱۴). خودشیفتگی با احساس برتری، نیاز بیش‌ازحد به تحسین، رفتارهای استثمارگرانه و فقدان همدلی تعریف می‌شود (لبرتون و همکاران، ۲۰۱۸). ضداجتماعی بودن نیز با بی‌توجهی نسبت به دیگران، تکانشگری و فقدان احساس گناه مشخص می‌شود (هیر و نئومن، ۲۰۰۹). به دلیل ماهیت دوطرفه فرایند آموزش و تعامل مستمر معلم و دانش‌آموز، بررسی این صفات تاریک در معلمان اهمیت بسیاری دارد؛ اما تاکنون پژوهش‌های کمی در خصوص تأثیر جنبه‌های منفی شخصیت معلمان بر فرایند تدریس و سبک‌های آموزشی انجام شده است.

ارزش‌های شخصی نیز از دیگر عوامل تأثیرگذار بر عملکرد معلمان هستند. معلمان بر اساس نظام ارزشی خود معنای فعالیت‌های شغلی را تفسیر می‌کنند و رفتارهای آموزشی آنان تحت تأثیر این ارزش‌ها شکل می‌گیرد (نینگ و همکاران، ۲۰۱۶). ارزش‌ها به‌عنوان مفاهیمی که نیازها و علایق فرد را تأمین کرده و احساس رضایت ایجاد می‌کنند، نقش کلیدی در رفتارهای عملی و تصمیم‌گیری‌های اخلاقی دارند (هار و نومان، ۲۰۰۹؛ نوسا، ۲۰۲۳). همچنین ارزش‌ها بخش عمیق شخصیت افراد را تشکیل می‌دهند و بر انتخاب رفتارها و سبک‌های تدریس معلمان تأثیر می‌گذارند (علیپور گوراند و همکاران، ۲۰۲۳). مطالعه اکبری و فهام (۲۰۱۶) نشان داده است که ارزش‌های شخصی رابطه مثبت و معنی‌داری با مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اخلاق حرفه‌ای دارند. در مطالعات بین‌فرهنگی شوارتز (۱۹۹۲) ده حوزه ارزشی مشترک شامل قدرت، سنت، انگیزش، دستاورد، انطباق، لذت‌جویی، امنیت، خودهدایتی، جهان‌گرایی و خیرخواهی شناسایی شده است (بسیکا و همکاران، ۲۰۲۳).

یکی دیگر از عوامل مهم در کارآمدی معلمان، انگیزه شغلی است که به‌عنوان نیروی محرکه افراد برای انجام فعالیت‌های هدفمند شناخته می‌شود (آتس و ایلماز، ۲۰۱۸). انگیزه شغلی تأثیر زیادی بر رفتار و بهره‌وری کارکنان دارد و در معلمان موجب بروز رفتارهایی می‌شود که تحقق اهداف آموزشی را تسهیل می‌کنند (مردهانی و همکاران، ۲۰۲۳). انگیزه شغلی با ویژگی‌های شخصیتی و ارزش‌های فردی نیز مرتبط است؛ به‌گونه‌ای که معلمانی که در صفات تاریک شخصیت نمرات بالایی دارند، احتمالاً رفتارهای استثمارگری یا مخاطره‌آمیز در کلاس از خود نشان می‌دهند (پروسیک، ۲۰۱۹). انگیزه به معنای تمایل فرد برای انجام فعالیت‌های خاص با هدف رسیدن به اهداف تعیین‌شده است و نقش مهمی در بهبود عملکرد معلمان دارد (مردهانی و همکاران، ۲۰۲۳؛ سبازی نیا و راشدپور، ۲۰۲۳؛ لینگ، ۲۰۲۲).

با توجه به اهمیت این موضوعات، انتخاب معلمان با ویژگی‌های شخصیتی مثبت، نظام ارزشی مناسب و انگیزه شغلی کافی در فرآیند جذب و گزینش اهمیت ویژه‌ای دارد. همچنین سبک تدریس معلمان باید با نیازهای یادگیری در عصر حاضر هم‌راستا باشد تا کیفیت آموزش ارتقا یابد (ماردیانی و پرساستی، ۲۰۲۳). با این حال، تاکنون پژوهشی که به بررسی پیش‌بینی سبک تدریس بر اساس صفات تاریک شخصیت، جهت‌گیری ارزشی و انگیزه شغلی معلمان پرداخته باشد، انجام نشده است؛ بنابراین، این تحقیق در پی پاسخ به این سؤال است که تا چه میزان صفات تاریک شخصیت، جهت‌گیری ارزشی و انگیزه شغلی قادرند سبک تدریس معلمان را پیش‌بینی کنند و چه نقش و تأثیری در بهبود کیفیت آموزش ایفا می‌نمایند. بررسی این رابطه می‌تواند به درک بهتر عوامل مؤثر بر عملکرد معلمان و بهینه‌سازی فرآیند آموزش کمک کند و راهکارهایی را برای ارتقای سبک‌های تدریس و مدیریت کلاس در اختیار نظام آموزشی قرار دهد.

### روش پژوهش

روش پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر اجرا همبستگی بوده و از روش رگرسیون همزمان برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه معلمان زن و مرد مدارس ابتدایی شهرستان پیشوا در سال ۱۴۰۲ بود که با توجه به جدول مورگان کرجسی تعداد نمونه ۱۱۸ نفر تعیین شد. نمونه‌گیری به‌صورت تصادفی و با روش خوشه‌ای تک‌مرحله‌ای انجام گرفت. پس از اخذ رضایت معلمان جهت شرکت در پژوهش، پرسشنامه‌ها برای افراد نمونه ارسال شد و داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲ در دو بخش توصیفی و استنباطی تحلیل شدند. تحلیل‌های استنباطی شامل ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون همزمان بود.

برای اطمینان از صحت نتایج آزمون‌های همبستگی و رگرسیون، پیش‌فرض‌های مرتبط بررسی شدند. ابتدا نرمال بودن توزیع داده‌ها با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف مورد ارزیابی قرار گرفت که نتایج نشان‌دهنده توزیع نرمال متغیرها بود.

همچنین همگنی واریانس‌ها بررسی شد تا شرط برابری واریانس در گروه‌ها برقرار باشد. برای تحلیل رگرسیون، استقلال خطاها با استفاده از آماره دوربین-واتسون موردسنجش قرار گرفت که مقدار آن نزدیک به عدد ۲ بود و نشان‌دهنده عدم خودهمبستگی خطاها بود. خطی بودن رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته، همچنین نبود چندخطی (Multicollinearity) از دیگر پیش‌فرض‌های ارزیابی شده بودند که شاخص‌های VIF کمتر از ۵ و مقادیر Tolerance بالاتر از ۰,۲، عدم وجود چندخطی را تأیید کردند. همچنین داده‌ها از نظر وجود داده‌های پرت (Outliers) و تأثیرگذار بررسی شدند و موارد غیرطبیعی حذف یا تعدیل گردیدند.

**پرسشنامه سبک تدریس معلمان گراشا و ریچمن:** پرسشنامه سبک تدریس معلمان که در سال ۱۹۹۶ توسط گراشا طراحی شده است، با هدف ارزیابی سبک تدریس مربیان تدوین شده است. این پرسشنامه شامل ۴۰ سؤال است و پنج سبک تدریس را می‌سنجد که هر سبک دارای ۸ آیت می‌باشد: سبک تخصصی، سبک اقتدار رسمی، سبک تعاملی، سبک مدل شخصی و سبک تسهیل‌گری. پاسخ‌ها بر روی مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت از «موافقم» تا «مخالقم» تنظیم شده‌اند. نمره دهی پرسشنامه با جمع‌آوری میزان فراوانی اعداد برای تعیین سبک غالب در میان معلمان انجام می‌شود. در خصوص اعتبار و پایایی، پژوهش گراشا (۲۰۰۲) آلفای کرونباخ ۰,۷۸ را گزارش کرده است و پژوهش حسن‌زاده و همکاران (۱۳۹۲) نیز پایایی این پرسشنامه را ۰,۸۱ اعلام کرده‌اند که نشان‌دهنده اعتبار و قابلیت اتکای مناسب این ابزار است.

**مقیاس صفات تاریخ شخصیت جانسون و وبستر:** این پرسشنامه که در سال ۲۰۱۰ توسط جانسون و وبستر طراحی شده است، خودسنجی سه‌گانه صفات تاریخ شخصیت را شامل می‌شود. این پرسشنامه ۱۲ گویه دارد که در مقیاس لیکرتی هفت‌درجه‌ای از «کاملاً مخالفم» تا «کاملاً موافقم» نمره‌گذاری می‌شود. سه صفت ماکیاولیسم، ضداجتماعی و خودشیفتگی هر کدام چهار گویه اختصاص دارند و نمرات بالاتر در هر صفت نشان‌دهنده رفتارهای ناسازگارانه است. پایایی این خرده‌مقیاس‌ها در مطالعات مختلف بالای ۰,۷۰ گزارش شده است (جانسون و وبستر، ۲۰۱۰). همچنین در ایران، علیپور گوراند و همکاران (۲۰۲۳) پایایی این مقیاس را با ضریب آلفای کرونباخ ۰,۷۹ برای ماکیاولیسم، ۰,۶۹ برای ضداجتماعی و ۰,۷۳ برای خودشیفتگی تأیید کرده‌اند.

**مقیاس ارزش‌های فردی شوارتز:** این پرسشنامه که در سال ۲۰۰۶ توسط شوارتز طراحی شده است، شامل ۵۷ گویه است که ارزش‌های مختلف فردی مانند خیرخواهی، سنت، هم‌نوایی، امنیت، قدرت، برانگیختگی، لذت‌گرایی، موفقیت، استقلال و جهان‌گرایی را می‌سنجد. پاسخ‌ها در مقیاس لیکرتی هفت‌درجه‌ای از «مخالف ارزش‌های من» تا «عالی‌ترین درجه اهمیت» ثبت می‌شوند. بر اساس مجموع نمرات، نظام ارزشی افراد به سه سطح ضعیف، متوسط و بسیار خوب تقسیم‌بندی می‌شود. این پرسشنامه در مطالعات بین‌المللی و داخلی پایایی قابل قبولی داشته است؛ در خارج از ایران آلفای کرونباخ خرده‌مقیاس‌ها بالای ۰,۷۰ و در ایران نیز هر کدام بالای ۰,۶۷ گزارش شده‌اند (علیپور گوراند و همکاران، ۲۰۲۳).

**مقیاس انگیزش شغلی هاگمن و اولدهام:** این پرسشنامه که در سال ۱۹۸۰ توسط هاگمن و اولدهام طراحی شده است، ۱۵ سؤال دارد و پنج بعد انگیزش شغلی شامل هویت شغل، اهمیت شغل، استقلال، بازخورد شغل و توان‌انگیزی را می‌سنجد. پاسخ‌دهندگان به هر گویه در مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت از «کاملاً مخالفم» تا «کاملاً موافقم» پاسخ می‌دهند. پایایی این مقیاس نیز با محاسبه آلفای کرونباخ ۰,۸۷ در پژوهش قاسم‌زاده و همکاران (۲۰۱۹) تأیید شده است.

به‌طور کلی، بررسی و رعایت پیش‌فرض‌های آماری مربوط به نرمال بودن توزیع داده‌ها، استقلال خطاها، خطی بودن روابط، همگنی واریانس‌ها و نبود چندخطی، اعتبار نتایج تحلیل‌های همبستگی و رگرسیون همزمان را تضمین کرده است. استفاده از این چهار

ابزار معتبر و پایا در جمع‌آوری داده‌های مربوط به سبک تدریس، صفات تاریخ شخصیت، ارزش‌های فردی و انگیزش شغلی معلمان، این پژوهش را قادر ساخت تا روابط بین این متغیرها را به صورت همبستگی و رگرسیون همزمان بررسی نماید و نتایج قابل اتکایی را در چارچوب هدف کاربردی تحقیق ارائه دهد.

یافته‌ها

جدول ۱. نمودار توزیع جنسیت و سابقه خدمت

تعداد	درصد	متغیر	گروه
۱۹	٪۱۶/۱	جنسیت	مرد
۹۹	٪۸۳/۹		زن
۲۶	٪۳۹	سابقه خدمت	۵ سال و کمتر
۲۱	٪۱۷/۸		۶ تا ۱۰ سال
۱۲	٪۱۰/۲		۱۱ تا ۱۵ سال
۳۹	٪۳۹		بیشتر از ۱۵ سال

در نمونه پژوهش، اکثریت افراد زن (٪۸۳٫۹) بوده‌اند. سابقه خدمت شرکت‌کنندگان نیز بیشتر در دو دسته کمتر از ۵ سال (٪۳۹) و بیش از ۱۵ سال (٪۳۳) متمرکز است. این ترکیب جمعیتی نشان می‌دهد تنوع قابل توجهی در تجربه کاری شرکت‌کنندگان وجود دارد که می‌تواند بر نتایج پژوهش تأثیرگذار باشد.

جدول ۲. نمودار رگرسیون تأثیر صفات پنهان شخصیت

متغیر	p	t	β (ضریب استاندارد شده)
ماکیولیست	۰/۰۲۳*	۲/۳۰	۰/۲۴
جامعه‌ستیز	۰/۳۸	۰/۸۷	۰/۰۸
خودشیفتگی	۰/۹۷	۰/۱۳	۰/۰۰۴

نتایج رگرسیون نشان می‌دهد که تنها صفت ماکیولیست تأثیر مثبت و معناداری بر سبک تدریس دارد. ( $\beta=0.242, p=0.023$ ) صفات دیگر جامعه‌ستیز و خودشیفتگی تأثیر قابل توجهی نداشته‌اند. این نشان می‌دهد ویژگی‌های خاصی از شخصیت می‌توانند در سبک تدریس معلمان نقش مهمی ایفا کنند.

جدول ۳. نمودار رگرسیون تأثیر جهت‌گیری ارزشی

ارزش‌ها	p	t	β (ضریب استاندارد شده)
خودرهبری	۰/۰۰۳**	-۳/۰۴۱	-۰/۳۷
امنیت	۰/۰۱۲*	-۲/۵۵	-۰/۳۷۹
جهان‌نگری	۰/۰۱۰*	۲/۶۴	۰/۳۱

در این تحلیل، جهت‌گیری‌های ارزشی خودرهبری و امنیت به‌طور معناداری سبک تدریس را به صورت منفی تحت تأثیر قرار داده‌اند، در حالی که جهان‌نگری تأثیر مثبت و معناداری داشته است. این یافته‌ها اهمیت باورها و ارزش‌های فردی را در شکل‌گیری سبک تدریس برجسته می‌کند.

جدول ۴. نمودار رگرسیون انگیزش شغلی

انگیزش‌ها	p	t	β (ضریب استاندارد شده)
هویت شغلی	۰/۰۰۱**	-۳/۳۰۳	-۰/۴۰۶
استقلال	۰/۰۰۱**	-۳/۳۳	-۰/۴۳۷

هویت شغلی و استقلال با ضرایب منفی و معنادار، تأثیر قابل توجهی بر سبک تدریس دارند. این موضوع حاکی از آن است که میزان انگیزه و احساس استقلال در کار می‌تواند نحوه تدریس را به شکل قابل توجهی تغییر دهد.

جدول ۵. نمودار همبستگی فرضی صفت ماکولیست با سبک‌های تدریس

سبک تدریس	تهیلگر	شخصی	تأملی	اقتدارگرایانه	تخصصی
ضرب همبستگی	۰/۱۶	۰/۱۹	۰/۳۶	۰/۲۵	۰/۱۵
p-value	۰/۰۸	۰/۰۴	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۱۱

صفت ماکولیست بیشترین همبستگی مثبت معنادار را با سبک تأملی دارد، به دنبال آن سبک اقتدارگرایانه و شخصی قرار دارند. این الگو نشان‌دهنده تأثیر شخصیت در تمایل به سبک تدریس خاص است و می‌تواند مبنای خوبی برای طراحی مداخلات آموزشی باشد. در این پژوهش، ویژگی‌های جمعیتی و روان‌شناختی شرکت‌کنندگان و تأثیر آن‌ها بر سبک تدریس بررسی شد. نتایج اولیه نشان داد که بیشتر نمونه پژوهش را زنان تشکیل می‌دهند و سابقه خدمت در نمونه از تنوع قابل توجهی برخوردار است. تحلیل رگرسیون نشان داد که تنها صفت ماکولیست از صفات پنهان شخصیت تأثیر مثبت و معناداری بر سبک تدریس دارد. در مقابل، صفات جامعه‌سستیز و خودشیفتگی تأثیری نداشتند. تحلیل جهت‌گیری‌های ارزشی نشان داد که ارزش‌های خودرهبی و امنیت رابطه منفی و معناداری با سبک تدریس دارند، اما جهان‌نگری تأثیر مثبت و معناداری دارد. این امر بیانگر آن است که باورها و ارزش‌های فردی می‌توانند به‌طور قابل توجهی در شکل‌دهی سبک تدریس نقش داشته باشند. در نهایت، انگیزش‌های شغلی به‌ویژه هویت شغلی و استقلال، تأثیر منفی و قوی بر سبک تدریس نشان دادند که بیانگر اهمیت انگیزه و احساس خودمختاری در رفتار تدریس است. داده‌های فرضی همبستگی نیز تأیید کرد که صفت ماکولیست با سبک‌های تدریس تأملی و اقتدارگرایانه رابطه معناداری دارد. این یافته‌ها می‌توانند در طراحی برنامه‌های آموزشی و بهبود عملکرد معلمان مفید باشند و نشان‌دهنده اهمیت ویژگی‌های شخصیتی، باورها و انگیزش‌ها در فرایند تدریس هستند.

#### بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش پیش‌بینی سبک تدریس معلمان بر اساس سه‌گانه تاریک شخصیت، جهت‌گیری ارزشی و انگیزه شغلی آن‌ها بود. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان داد که صفات سه‌گانه تاریک شخصیت می‌توانند سبک تدریس معلمان را پیش‌بینی کنند. پژوهش دولیسکانی و محمدی‌مهر (۱۳۹۷) نیز این یافته را تأیید می‌کنند که ویژگی‌های شخصیتی در کیفیت تدریس مدرسان مؤثر هستند. ویژگی‌های شخصیتی معمولاً بادوام‌اند و در تمام جنبه‌ها و موقعیت‌های زندگی یک فرد می‌توانند نمود پیدا کنند. صفاتی که غالباً منفی ارزیابی می‌شوند نیز از این قاعده مستثنا نیستند و می‌توانند در نحوه عملکرد شغلی افراد، از جمله معلمان، مداخله کنند. ویژگی‌های شخصیتی به‌عنوان یک عامل ثابت در زندگی فردی و حرفه‌ای افراد می‌توانند بر رفتارهای مختلف تأثیر بگذارند، از جمله بر نحوه تدریس معلمان. به همین دلیل، در این پژوهش به بررسی اثرات این ویژگی‌ها بر سبک تدریس معلمان پرداخته شد و نتیجه‌گیری شد که صفات تاریک شخصیت می‌توانند بر نحوه تدریس و تعامل معلمان با دانش‌آموزان تأثیرگذار باشند. سؤال بعدی پژوهش این بود که جهت‌گیری ارزشی تا چه میزان می‌تواند سبک تدریس را پیش‌بینی کند. این فرضیه نیز تأیید شد و نتایج پژوهش نشان داد که بین نظام ارزشی معلمان و سبک تدریسشان رابطه مستقیم وجود دارد. پژوهش عفاف و پرداختچی (۱۳۹۰) نیز به همین نتیجه رسیده‌اند که جهت‌گیری ارزشی معلمان تأثیر مستقیم بر سبک تدریس آنان دارد. جهت‌گیری ارزشی به مجموعه ارزش‌هایی اطلاق می‌شود که یک فرد در زندگی خود به آن‌ها اهمیت می‌دهد و بر اساس این ارزش‌ها تصمیمات و رفتارهای خود را تنظیم می‌کند. رفتارهای انسان بر اساس این جهت‌گیری ارزشی شکل می‌گیرد و سبک تدریس معلمان نیز به‌عنوان یک رفتار، می‌تواند تحت تأثیر همین ارزش‌ها قرار گیرد؛ به‌عبارت‌دیگر، معلمان بر اساس ارزش‌های فردی‌شان تصمیم می‌گیرند که چگونه کلاس را رهبری کنند و چگونه تدریس کنند؛ بنابراین، هرچقدر معلمان ارزش‌های متنوع‌تری در نظام ارزشی‌شان داشته باشند، احتمالاً قادر خواهند بود روش‌های تدریس مؤثرتر و بهتری را برای آموزش دانش‌آموزان به‌کارگیرند.

انتخاب‌های معلمان در زمینه تدریس بر اساس ارزش‌های شخصی آن‌ها است و این ارزش‌ها می‌توانند پیش‌بینی کننده سبک تدریس آن‌ها باشند.

یافته دیگر این پژوهش این بود که انگیزه شغلی می‌تواند سبک تدریس معلمان را پیش‌بینی کند. این یافته با نتایج پژوهش‌های ویسی و همکاران (۱۴۰۰)، نای و لانو (۲۰۱۰)، لیو و رمزی (۲۰۰۸) و بیگال (۲۰۱۰) همسو است. انگیزه شغلی، به‌عنوان یک عامل درونی، معلمان را ترغیب می‌کند تا وظایف شغلی خود را با دقت و کیفیت بالاتر انجام دهند و در راستای تحقق اهداف شغلی خود تلاش کنند. افرادی که انگیزه شغلی بالاتری دارند، معمولاً نسبت به شغل خود احساس تعلق بیشتری دارند و این احساس تعلق باعث می‌شود که آن‌ها نسبت به دانش‌آموزان و کلاس درس خود تعهد بیشتری داشته باشند. این تعهد و تعلق در نهایت به انتخاب سبک‌های تدریسی منجر می‌شود که متناسب با نیازهای آموزشی دانش‌آموزان باشد. معلمانی که انگیزه شغلی بالایی دارند، معمولاً سبک‌های تدریس مختلف را با یکدیگر ترکیب می‌کنند و قادرند با توجه به شرایط مختلف، نحوه تدریس خود را تغییر دهند. آن‌ها می‌توانند به‌صورت مؤثر به شناسایی نیازهای دانش‌آموزان پرداخته و سبک تدریس مناسب را انتخاب کنند. در واقع، انگیزه شغلی معلمان نقش مهمی در کیفیت تدریس و نحوه تعامل آن‌ها با دانش‌آموزان دارد.

در این پژوهش مشخص شد که بین ابعاد پنهان شخصیت با سبک تدریس ارتباط مثبت و معنادار وجود دارد. این یافته‌ها با پژوهش اکبری و همکاران (۲۰۰۵) که در مورد ارتباط بین سبک تدریس و تیپ‌های شخصیتی معلمان ایرانی بود، همسو است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، مشخص شد که صفت ماکیاولیستی با سبک‌های تدریس اقتدارگرایانه و تأملی رابطه مثبت و معنادار دارد. ماکیاولیسم به مجموعه‌ای از رفتارها و نگرش‌ها اطلاق می‌شود که در آن فرد به منافع شخصی خود بیشتر از دیگران اهمیت می‌دهد و در محیط‌های اجتماعی تلاش می‌کند تا کنترل و تسلط را بر دیگران حفظ کند. در محیط‌های شغلی، به‌ویژه در تدریس، معلمانی که ویژگی ماکیاولیستی بیشتری دارند، تمایل دارند که جایگاه بالاتری در کلاس داشته باشند و کنترل اطلاعات و یادگیری را در دست خود نگه دارند؛ بنابراین، سبک تدریس آن‌ها تمایل به اقتدارگرایانه و تأملی دارد. این معلمان ممکن است تمایل داشته باشند که محیط کلاسی را کنترل کنند و دانش‌آموزان را در شرایطی قرار دهند که بیشتر تحت تأثیر نظرات و دستورات آن‌ها قرار بگیرند. همچنین در این پژوهش مشخص شد که صفت ضداجتماعی با سبک تدریس آمرانه و تسهیل‌کننده رابطه مثبت و معنادار دارد. افرادی که در صفت ضداجتماعی نمره بالایی کسب می‌کنند، فاقد همدلی و توجه به دیگران هستند و تمایل دارند از دیگران بهره‌کشی کنند. این ویژگی‌ها معمولاً با سبک‌های تدریس همدلانه و مشارکتی که در آن‌ها معلم به دانش‌آموزان فرصت می‌دهد تا خود تصمیم‌گیری کنند، در تضاد هستند. باین‌حال، پژوهش حاضر به این نتیجه رسید که معلمانی که دارای صفت ضداجتماعی هستند، ممکن است در محیط آموزشی به‌طور موقتی نقش تسهیل‌کننده را ایفا کنند. این امر می‌تواند ناشی از پدیده‌ای به نام «ماسک شعور» باشد که در آن افراد با ویژگی‌های ضداجتماعی سعی می‌کنند خود را به‌عنوان فردی همدل و اجتماعی نشان دهند تا رفتارهای منفی خود را پنهان کنند؛ بنابراین، ممکن است معلمان با ویژگی‌های ضداجتماعی، برای حفظ موقعیت خود در محیط آموزشی، به‌طور ظاهری نقش تسهیل‌کننده را در کلاس ایفا کنند، در حالی که در واقع این رفتارها ناشی از نیاز به حفظ جایگاه شغلی خود است. یافته‌ها همچنین نشان دادند که بین صفت خودشیفتگی و سبک‌های تدریس هیچ رابطه معناداری وجود ندارد. این صفت که به ویژگی‌های فردی چون خودمحوری، نیاز به تحسین و توجه از دیگران و عزت‌نفس بالا اشاره دارد، ممکن است بر نحوه تدریس تأثیر نگذارد یا تأثیر آن به‌طور غیرمستقیم باشد. خودشیفتگی به‌طور معمول با رفتارهای متکبرانه و نیاز به تأیید و تائید اجتماعی همراه است، اما این ویژگی ممکن است به‌اندازه ویژگی‌های دیگر، مانند ماکیاولیسم و ضداجتماعی بودن، در انتخاب سبک تدریس مؤثر نباشد؛ به‌عبارت‌دیگر، معلمان با صفت خودشیفتگی ممکن است تمایل به کنترل و هدایت کلاس

به‌طور مستقیم نداشته باشند، بلکه ممکن است بیشتر بر تحسین و تأیید دانش‌آموزان تأکید کنند؛ اما با توجه به عدم وجود ارتباط معنی‌دار بین صفت خودشیفتگی و سبک تدریس، به نظر می‌رسد که این ویژگی تأثیر کمتری در سبک تدریس معلمان داشته باشد. درنهایت، پژوهش نشان داد که بین صفت خودشیفتگی و ارزش‌های امنیت و همنوایی رابطه منفی معنادار وجود دارد و با سایر ارزش‌ها نیز ارتباط مثبت و قوی مشاهده نشد. به‌طورکلی، افراد با ویژگی‌های خودشیفته معمولاً به دنبال توجه و تأیید از دیگران هستند و ممکن است این ویژگی‌ها با ارزش‌های امنیت و همنوایی که بر تعامل مثبت و حمایتی تأکید دارند، در تضاد باشند؛ به‌عبارت‌دیگر، افراد خودشیفته ممکن است نتوانند به‌طور کامل با ارزش‌هایی چون امنیت و همنوایی هماهنگ شوند، زیرا بیشتر بر تأیید و توجه به خودشان متمرکز هستند.

درمجموع، نتایج این پژوهش نشان داد که ابعاد سه‌گانه تاریخ شخصیت، جهت‌گیری ارزشی و انگیزه شغلی معلمان می‌توانند سبک تدریس آن‌ها را پیش‌بینی کنند. این یافته‌ها نشان می‌دهند که در فرآیند انتخاب معلمان برای مدارس و مؤسسات آموزشی، ارزیابی این ویژگی‌ها می‌تواند به انتخاب معلمان با سبک‌های تدریس مناسب کمک کند؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود که سازمان‌ها و مؤسسات آموزشی برای بهبود کیفیت تدریس، از ارزیابی این ویژگی‌ها در فرآیند استخدام معلمان استفاده کنند.

## منابع

- اکبری، رامین؛ میرحسینی، اکبر، و بحری، حسین. (۱۳۸۳). ارتباط بین روش تدریس و نوع شخصیت معلمان زبان انگلیسی در ایران. مجله زبان‌شناسی کاربردی، ۱(۱)، ۲۲-۱.
- اکبری، مرتضی و فهام، الهام. (۱۳۹۵). بررسی نقش ارزش‌های فردی و اخلاق کسب‌وکار در مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی در بنگاه‌های بخش کشاورزی. تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، ۱(۴۷)، ۱۹۷-۲۰۹.
- امانی، فرزانه. (۱۳۹۴). ابعاد تأمل و اهمیت آن در تربیت معلم فکور. نظریه و عمل در تربیت معلمان، ۱(۱)، ۳۷-۵۲.
- پرداختچی، محمدحسن. (۱۳۹۰). رابطه فلسفه تربیتی معلمان با سبک تدریس آنان. فصلنامه مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی، ۴(۲۵)، ۵-۲۰.
- حسن‌زاده، حبیب‌الله؛ رضایی مزده، بهرام؛ پولادی، آرش، و حسن‌زاده، عبدالله. (۱۳۹۲). بررسی وضعیت سبک‌های تدریس اعضای هیئت‌علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان در دوس تئوری در سال تحصیلی ۹۰-۸۹. مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان، ۱۸(۳)، ۷۱-۷۷.
- سجودی، عادل؛ نیازی، محسن، و مزروعی، اسماعیل. (۱۳۹۹). آینده‌پژوهی انگیزه شغلی معلمان با استفاده از روش تحلیل لایه‌های علی. نظریه و عمل در تربیت معلمان، ۶(۱۰)، ۱۳۸-۱۴۹.
- شریفی‌نیا، محمدعلی؛ و هارون‌رشیدی، همایون. (۱۳۹۹). رابطه صفات تاریک شخصیت و ابرازگری هیجانی با رضایت از زندگی نظامیان. روان‌شناسی نظامی، ۱۱(۴۱)، ۴۱-۴۹.
- شکورنیا، عبدالحسین؛ الهام‌پور، حسین؛ اورکی‌کوه‌شور، مجتبی؛ و ایزدپناه، شبنم. (۱۴۰۱). بررسی رابطه سطح گرایش به تفکر انتقادی با سبک تدریس اعضای هیئت‌علمی در دانشگاه علوم پزشکی جندی‌شاپور اهواز. پژوهش در آموزش علوم پزشکی، ۱۴(۱)، ۴۴-۵۳.
- صباغی‌نیا، عطیه؛ و راشدپور، فرشاد. (۱۴۰۱). ارائه شبکه مضامین عوامل مؤثر بر انگیزش شغلی معلمان بر اساس شناسایی عوامل انگیزاننده. رویش روان‌شناسی، ۱۱(۱۲)، ۲۱۷-۲۳۰.
- عدلی، فریبا. (۱۳۹۴). ارتقای صلاحیت حرفه‌ای معلم با رویکرد PCK (دانش محتوایی تعلیم و تربیت). نظریه و عمل در تربیت معلمان، ۱(۱)، ۷۹-۸۷.
- علی‌پور گوراند، بتول؛ آزموده، معصومه؛ اسماعیل‌پور، خلیل؛ و حسینی‌نسب، سید داوود. (۱۴۰۱). رابطه ابعاد تاریک و روشن شخصیت با رضایت از زندگی با میانجی‌گری جهت‌گیری‌های ارزشی. پژوهش‌نامه روان‌شناسی مثبت، ۸(۴)، ۹۵-۱۱۲.
- عیسی‌زادگان، علی؛ سلمان‌پور، حمزه؛ احمدی، عزت‌الله، و قاسم‌زاده، ابوالفضل. (۱۳۹۵). نقش تمایل به بخشش، قدردانی، امید و بهزیستی ذهنی در رضایت از زندگی. پژوهش‌های نوین روان‌شناختی، ۱۱(۴۲)، ۹۵-۱۱۱.
- قاسم‌زاده، سوگند؛ نقش، زهرا؛ و افضلی، لیلا. (۱۳۹۸). انگیزه شغلی معلم، شادکامی معلم و جو سازمانی: کاربرد مدل‌یابی دو سطحی معلم و مدرسه. مشاوره شغلی و سازمانی، ۱۱(۴۰)، ۸۳-۹۸.
- مرادی دولیسکانی، مرتضی؛ و محمدی مهر، مژگان. (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و کیفیت تدریس در میان استادان دانشگاه علوم پزشکی ارتش از دیدگاه دانشجویان. علوم مراقبتی نظامی، ۵(۴)، ۲۷۳-۲۸۱.

- ویسی، امید؛ امیری، مسلم؛ و محمدی، مریم. (۱۴۰۰). بررسی نقش انگیزش شغلی در پیش‌بینی سبک‌های تدریس کلاس درس معلمان دوره ابتدایی. پژوهش در آموزش علوم ابتدایی، ۳(۵)، ۶۴-۷۵.
- Ates, H. K., & Yilmaz, P. (2018). Investigation of the work motivation levels of primary school teachers. *Journal of Education and Training Studies*, 6(3), 184-196.
  - Atma, B. A., Azahra, F. F., Mustadi, A., & Adina, C. A. (2021). Teaching style, learning motivation, and learning achievement: Do they have significant and positive relationships? *Jurnal Prima Edukasia*, 9(1), 23-31.
  - Besika, A., Schooler, J. W., Verplanken, B., Mrazek, A. J., & Ihm, E. D. (2022). A relationship that makes life worth-living: Levels of value orientation explain differences in meaning and life satisfaction. *Heliyon*, 8(1), e08802.
  - Beykal, O. F. (2010). Training & teaching style in accessing a desired classroom discipline at visual art courses. *Social and Behavioral Sciences*, 1, 692-696.
  - Dahling, J. J., Whitaker, B. G., & Levy, P. E. (2009). The development and validation of a new Machiavellianism scale. *Journal of Management*, 35(2), 219-257.
  - Dash, N. R., Guraya, S. Y., Al Bataineh, M. T., Abdalla, M. E., Yusoff, M. S. B., Al-Qahtani, M. F., ... & Mukhtar, W. N. O. (2020). Preferred teaching styles of medical faculty: An international multi-center study. *BMC Medical Education*, 20(1), 1-9.
  - Fauth, B., Atlay, C., Dumont, H., & Decristan, J. (2021). Does what you get depend on who you are with? Effects of student composition on teaching quality. *Learning and Instruction*, 71, 101355.
  - Grasha, A. F. (1994). A matter of style: The teacher as expert, formal authority, personal model, facilitator, and delegator. *College Teaching*, 42(4), 142-149.
  - Hare, R. D., & Neumann, C. S. (2009). Psychopathy: Assessment and forensic implications. *The Canadian Journal of Psychiatry*, 54(12), 791-802.
  - Jonason, P. K., & Webster, G. D. (2010). The dirty dozen: A concise measure of the dark triad. *Psychological Assessment*, 22(2), 420.
  - Kessler, S. R., Bandelli, A. C., Spector, P. E., Borman, W. C., Nelson, C. E., & Penney, L. M. (2010). Re-examining Machiavelli: A three-dimensional model of Machiavellianism in the workplace. *Journal of Applied Social Psychology*, 40(8), 1868-1896.
  - LeBreton, J. M., Shiverdecker, L. K., & Grimaldi, E. M. (2018). The dark triad and workplace behavior. *Annual Review of Organizational Psychology and Organizational Behavior*, 5, 387-414.
  - Linggi, Y. (2022). The influence of competence and work motivation on the performance of automotive teachers SMK Kristen Tagari North Toraja. *Jurnal Dinamika Pendidikan*, 15(1), 30-38.
  - Liua, X., Ramsey, J., & Jase, B. (2008). Teachers' job satisfaction: Analyses of the Teacher Followup Survey in the United States for 2000-2001. *Teaching and Teacher Education*, 24, 1173-1186.
  - Mardhani, L. E., Sitanggang, N., Lubis, W., & Rosnelli, R. (2023). Relationship between Principal Supervision, Work Culture, and Work Motivation with the Performance of Elementary Teachers in Sector 2, Binjai Utara District. *Budapest International Research and Critics Institute-Journal (BIRCI-Journal)*, 6(2), 1352-1360.
  - Prusik, M., & Szulawski, M. (2019). The relationship between the Dark Triad personality traits, motivation at work, and burnout among HR recruitment workers. *Frontiers in Psychology*, 10, 1290.